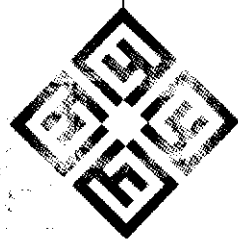


# اشعار موضوعی با الهام از سخنان امیرالمؤمنین



عبدالکریم پاک نیا

## آزادگی و عزت نفس

علی علیه السلام فرمود: «وَلَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرِكَ  
وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا»<sup>۱</sup> بنده دیگری مباش،  
در حالی که خداوند تو را آزاد آفریده  
است.»

مرا زور و فیروزی از داور است  
نه از پادشاه و نه از لشکر است  
که آزاد زادم نه من بنده ام  
یکسی بنده آفریننده ام

\* \* \*

در دهر هر آنکه نیم نانی دارد  
از بهر نشست آشیانی دارد

## تواضع و فروتنی

علی علیه السلام تواضع را بهترین حفاظی  
می داند که حربه های شیطان را خنثی  
کرده، او را خلع سلاح می کند و در این  
زمینه می فرماید: «وَأَتَّخِذُوا التَّوَّاضِعَ  
مَسْلِحَةً بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ عَدُوِّكُمْ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ»<sup>۱</sup>  
فروتنی را در میان خود و دشمنتان، که  
شیطان و یارانش هستند، به عنوان  
سنگر و پناهگاه قرار دهید.»

تواضع است دلیل رسیدگان به کمال

که چون سوار به مقصد رسد پیاده شود

\* \* \*

ز راه خاکساری کسب عزت کرده ام صائب  
که چون خورشید، هم بالای سر، هم زیر پا باشم

۱. همان، خطبة ۱۹۲.

۲. همان، نامه ۳۶.

که فرهنگ آرایش جان بود  
 ز گوهر سخن گفتن آسان بود  
 دُر دانش از گنج نامی تر است  
 همان نزد دانا گرامی تر است  
 سخن مانند از ماهمی یادگار  
 تو با گنج، دانش برابر مدار<sup>۴</sup>

### عظمت پروردگار

امام علی (ع) در مورد ویژگیهای مردان پروا پیشه و انسانهای خدا جوی می فرماید: «عَظَمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ وَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي آغْنِيهِمْ»<sup>۵</sup> خداوند متعال در منظر آنان با عظمت و بزرگ است و غیر از خدا همه چیز در دیدگاه آنان کوچک و حقیر می باشد. چرا اهل معنی بدین نگروند که ابدال در آب و آتش روند ره عقل جز بیج در بیج نیست بر عارفان جز خدا هیچ نیست

نه خادم کس بود نه مخدوم کسی  
 گو شاد بزی که خوش جهانی دارد<sup>۱</sup>

### برتری علم بر ثروت

امام علی (ع) می فرماید: «يَا كَمِيلُ الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ الْعِلْمُ يَخْرُسُ كَ وَ أَنْتَ تَخْرُسُ الْمَالُ وَالْمَالُ تَنْقُصُهُ النَّفَقَةُ وَالْعِلْمُ يَزُكُّوا عَلَى الْإِنْفَاقِ وَ صَنِيْعُ الْمَالِ يَزُولُ بِرِوَالِهِ»<sup>۲</sup> ای کمیل! علم برتر از مال است؛ [زیرا] علم تو را نگاه می دارد و تو مال را حفظ می کنی، و مال را بخشیدن کم می گرداند و علم بر اثر بخشیدن افزونی می یابد. شخصیتی که با مال کسب شده، با نابودی آن از بین می رود [، ولی دانش این طور نیست، و بعد از مرگ صاحب خود، پسندیده گویهارا به دست می آورد].<sup>۳</sup> به از گنج دانش به گیتی کجاست که را گنج دانش بود پادشاست<sup>۳</sup>

\* \* \*

شرف و قیمت و قدر تو به فضل و هنر است  
 نه به دیدار و به دینار و به سود و به زیان

\* \* \*

چنین گفت آن بخرد رهنمون  
 که فرهنگ باشد ز گوهر فزون

۱. خیام.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷.

۳. طوسی.

۴. فردوسی.

۵. نهج البلاغه، خطبه متقین.

### ارزش حکمت آموزی

امام درباره فراگیری دانش  
توصیه‌ای حکیمانه فرموده، تعلیم دانش  
را فراتر از زمان و مکان و اشخاص  
می‌داند و می‌فرماید: «تُحَدِّثُ الْحِكْمَةَ أَسَى  
كُنْتُ؛<sup>۶</sup> علم و حکمت را هر جا باشد فرا  
گیرا!»

حکیم ابوالقاسم فردوسی این  
معنی را در قالب اشعار حماسی خود  
چنین سروده است:

بیاآموز و بشنوز هر دانشی

بیایی ز هر دانشی رامشی

همه گوش دارید پند مرا

سخن گفتن سودمند مرا

زمانی می‌سای ز آموختن

اگر جان همی خواهی افروختن

### اهمیت دوست‌یابی

علی علیه السلام فرمود: «أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ

عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ وَ أَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ

۱. سعدی.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷.

۳. فروغی بسطامی.

۴. نهج البلاغه، حکمت ۳۷۸.

۵. سعدی.

۶. نهج البلاغه، حکمت ۷۶.

که هامون و دریا و کوه و فلک

پسری، آدمیزاد، دیو و ملک

همه هر چه هستند از آن کمترند

که با هستی اش نام هستی برند<sup>۱</sup>

### شیوه مردان الهی

علی علیه السلام در توصیف مردان

خدایی می‌فرماید: «صَحِبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانٍ

أَزْوَاحُهَا مُعَلَّقَةٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى؛<sup>۲</sup> آنان در

این دنیا با بدنهایی زندگی می‌کنند که

ارواحشان به محل اعلی تعلق دارد.»

مردان خدا پرده پندار دریدند

یعنی همه جا غیر خدا یار ندیدند

کوتاه نظر غافل از آن سرو بلند است

کین جامه به اندازه هر کس نبریدند

مرغان نظرباز سبک‌سیر «فروغی»<sup>۳</sup>

از دامگه خاک بر افلاک پریدند<sup>۳</sup>

### دوری از تفاخر به نسب

علی علیه السلام فرمود: «مَنْ فَاتَهُ حَسَبٌ نَفْسِهِ

لَمْ يَنْفَعَهُ حَسَبُ آبَائِهِ؛<sup>۴</sup> کسی که مقام و

منزلت خود را از دست داده باشد،

منزلت پدرانش به او سودی نبخشد.»

گیرم پدر تو بوده فاضل

از فضل پدر تو را چه حاصل<sup>۵</sup>

گرامیان من (اعضای بدن من) می‌گیری  
و اولین امانتی قرار بده که از نعمتهای  
سپرده شده خود از من می‌ستانی.»

حافظ این سخن علوی را این  
گونه آورده است:

این جان عاریت که به حافظ سپرده دوست  
روزی رخس بسینم و تسلیم وی کنم

صَيَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ؛<sup>۱</sup> ناتوان‌ترین مردم  
کسی است که در یافتن دوست ناتوان  
باشد و از او عاجزتر آن که دوستان  
خود را از دست بدهد.»

بدکسی دان که دوست کم دارد

زان بتر چون گرفت بگذارد<sup>۲</sup>

### همت والا

امام (ع) می‌فرماید: «قَدَّرَ الرَّجُلُ عَلَى  
قَدْرِ هَيْئَتِهِ»<sup>۳</sup> ارزش یک انسان به اندازه  
همت اوست.»

همت اگر سلسله جنبان شود

مور تواند که سلیمان شود

\* \* \*

مور هرگز به در قصر سلیمان نرود

تا که در لانه خود برگ و نوایی دارد<sup>۴</sup>

### برترین درجه عبادت

علی (ع) از میان نیایشگران و  
عبادت کنندگان به عبادت احرار اشاره  
کرده و می‌فرماید: «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ  
شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَخْرَارِ»<sup>۵</sup> گروهی از  
عبادت کنندگان خدا را [نه برای طمع  
بهشت و نه برای ترس از جهنم، بلکه  
فقط] برای شکرگزاری عبادت  
می‌کنند که این عبادت آزادگان است.»  
حافظ می‌گوید:

از در خویش خدایا به بهشتم مفرست  
که سرکوی تو از کون و مکان ما را بس

### جان، امانت الهی

امام در خطبه ۲۱۵ نهج البلاغه  
تمام اعضا و جوارح بدن به ویژه جان و  
روح آدمی را امانتهای الهی می‌داند و  
می‌فرماید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَفْسِي أَوَّلَ كَرِيْمَةٍ  
تُنْتَزِعُهَا مِنْ كَرَائِمِي وَ أَوَّلَ وَدِيعَةٍ تَرْجِعُهَا مِنْ  
وَدَائِعِ نَعْمِكَ عِنْدِي؛ خدایا! جان مرا  
نخستین چیز گرامی قرار بده که از

۱. همان، حکمت ۱۲.

۲. سنائی غزنوی.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۴۷.

۴. پروین اعتصامی.

۵. نهج البلاغه، حکمت ۲۳۷.

و شیخ بهائی گفته:

حاجی بره کعبه و من طالب دیدار  
او خانه همی جوید و من صاحب خانه

### عبادت سوداگران

امام می فرماید: «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ  
رَغْبَةً فَنِلَكَ عِبَادَةَ التَّجَارِ؛<sup>۱</sup> عده‌ای خدا را  
به خاطر طمع و امید احسان، عبادت  
می‌کنند که این عبادت سوداگران و  
بازرگانان است.»

حافظ در این معنی گفته:

تو بندگی چو گدایان به شرط مزد مکن  
که خواجه خود روش بنده پروری داند  
و شاعر دیگر:

گر از دوست چشمت بر احسان اوست  
تو در بند خویشی نه در بند دوست

### حدود دشمنی

امام می فرماید: «أَبْغِضْ بَغْضَكَ هَوْنًا  
مَّا، عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ حَبِيبَكَ يَوْمًا مَّا؛<sup>۲</sup> در  
خشم گرفتن بر دشمنت تندروی نکن!  
ممکن است روزی دوست تو گردد.»

کمند مهر چنان بگسلان که گر روزی

شوی ز کرده پشیمان بهم توانی بست

### نیکی به نااهل

حضرت فرمود: «إِنَّا كَأَنَّ تَضَعُ ذَلِكَ  
فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ أَوْ أَنَّ تَفْعَلَهُ بِغَيْرِ أَهْلِهِ؛<sup>۳</sup> مبادا  
نیکی و احسان را در غیر موضع آن به  
کارگیری یا اینکه آن را برای نااهلان  
انجام دهی!»

نکویی با بدان کردن چنان است  
که بد کردن بجای نیکمردان  
زمین شوره سنبل بر نیارد  
در آن تخم عمل ضایع مگردان<sup>۴</sup>

### آیین مهرورزی

حضرت فرمود: «أَحْسِنِ إِلَى مَنْ  
شِئْتَ تَكُنْ أَمِيرًا؛<sup>۵</sup> به هر کس می خواهی  
نیکی کن تا امیر او باشی.»

صد خانه اگر به طاعت آباد کنی  
زان به نبود که خاطری شاد کنی  
گر بنده کنی به لطف آزادی را

بہتر که هزار بنده آزاد کنی<sup>۶</sup>

۱. همان.

۲. همان، حکمت ۲۶۸.

۳. همان، نامه ۳۱.

۴. سعدی.

۵. عیون الحکم، ص ۸۳.

۶. علاء الدولة سمنانی.

توبه

امام علیه السلام در مورد توبه می فرماید:  
 «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً اسْتَقْبَلَ تَوْبَتَهُ وَاسْتَقَالَ  
 حَظِيئَتَهُ؛<sup>۱</sup> خدا رحمت کند شخصی را که به  
 توبه اش روی آورد و گناهی را که مرتکب  
 شده، اقاله کند (آبروی رفته اش را باز پس  
 گیرد).»

حافظ اگر قدم زنی در ره خاندان بصدق

بدرقه رمت شود همت شحنه نجف  
 و فیض کاشانی سخن حکیمانه امام  
 علی علیه السلام را این گونه به تصویر کشیده است:  
 فیض اگر آب حیات ابدی می طلبی  
 منبعش پیروی سنت اهل البیت است  
 و باز می گوید:

طریقی بدست آر و صلحی بجوی

شفیعی برانگیز و عذری بگوی  
 به یک لحظه صدرت نبندد امان  
 چو پیمانہ پر شد به دور زمان  
 فرا شو چو بینی در صلح باز

مشکل خود به احادیث نبی کردم عرض  
 که به آن گفته خدا هر گرمی وامی کرد  
 دیدم آنجا ز علوم نسبوی شهری بود  
 بر درش بود امامی که سلونا می کرد  
 و نیز می گوید:

که ناگه در توبه گردد فراز  
 بروگرد ذلت ز دامن بشوی  
 که ناگه ز بالا ببندند جوی<sup>۲</sup>

بسیا ز سخنهای فیض، فیض ببر  
 که هر چه گفت و نوشت او ز کردگار گرفت  
 ز پیش خویش نگوید، حدیث بنویسد  
 که در طریق ادب راه هشت و چار گرفت

پیروی از اهل بیت علیهم السلام

مولای متقیان در خطبه ۹۷  
 می فرماید: «انظروا اهل بیت نبیکم فالزموا  
 سمتهم و اتبعوا اکثرهم؛ ای مردم! به اهل  
 بیت پیامبرتان بنگرید و به دنبال آنان  
 بروید و قدم جای قدمشان بگذارید.»

عظمت اهل بیت علیهم السلام

در خطبه ۱۰۹ می فرماید: «نَحْنُ  
 شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ وَمَحَطُّ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفٌ

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۱.  
 ۲. سعدی.

الْمَلَائِكَةُ وَمَعَادِنُ الْعِلْمِ وَيُنَايِعُ الْحُكْمَ نَاصِرُنَا  
وَمُجِبِّنَا يَنْتَظِرُ الرَّحْمَةَ وَعَدُوْنَا وَمُنْبِضُنَا يَنْتَظِرُ  
السُّطُوَّةَ؛ ما درخت نبوت و جایگاه رسالت  
و محل رفت و آمد ملائکه و معدنهای  
دانش و سرچشمه‌های حکمت هستیم.  
یاور و دوستدار ما در انتظار رحمت [حق]  
و دشمن و مخالف ما در انتظار کیفر و قهر  
الهی است.»

سعدی می‌گوید:

خدایا بحق بنی فاطمه  
که بر قولم ایمان کنم خاتمه  
اگر دعوتم رد کنی یا قبول  
من و دست و دامان آل رسول  
و حافظ خطاب به اهل بیت علیهم‌السلام گفته:  
از رهگذر خاک سرکوی شما بود  
هر ناله که در دست نسیم سحر افتاد

### کتابخوانی

علی علیه‌السلام می‌فرماید: «نِعْمَ الْمُحَدَّثُ  
الْكِتَابُ؛<sup>۱</sup> چه زیبا گوینده‌ای است کتاب.»

به جز کتاب انیسی دلم نمی‌خواهد

زهی انیس و زهی خامشی، زهی صحت

اگر اجل دهمد مهلت و خدا توفیق  
من و خدا و کتابی و گوشه خلوت<sup>۲</sup>

### عشق مجازی

علی علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ عَشِقَ شَيْئاً  
أَعْسَى بَصْرَةَ وَأَمْرَضَ قَلْبَهُ فَهُوَ يَنْتَظِرُ بَعِينَ غَيْرِ  
صَحِيحَةٍ؛<sup>۳</sup> هر کس به چیزی عاشق شود،  
[عشق به آن] او را نابینا و بیمار دل کند. او

در آن حال با چشم معیوب می‌بیند.»

ز اسرار حقیقت بهره‌ور کن عشق بازی را  
به طفلان و اگذار این ابجد عشق مجازی را  
کامل فرزانه را دیوانه سازد عاشقی

عاقلان را از خرد بیگانه سازد عاشقی

\* \* \*

مرا غرض ز نماز آن بود که یک وقتی  
حدیث درد فراق تو با تو بگزارم  
وگرنه این چه نمازی بود که من بی تو  
نشسته روی به محراب و دل به بازارم

۱. غررالحکم، ج ۶، ص ۱۶۷.

۲. فیض کاشانی.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹.

### خودبینی و تکبر

آن حضرت فرمود: «إِيَّاكَ وَ  
 الْأَعْجَابَ بِنَفْسِكَ وَالثَّقَّةَ بِمَا يُعْجِبُكَ مِنْهَا»<sup>۱</sup>  
 از خود پسندی و تکیه به چیزی که تو  
 را به خودپسندی وادارد، بپرهیز!  
 آیینه روزی که بگیری بدست  
 خود شکن آن روز، مشو خود پرست  
 هیچ خودبین خدای بین نبود

مرد خود دیده مرد دین نبود<sup>۲</sup>

\* \* \*

من از بی قدری خار سر دیوار دانستم  
 که ناکس کسی نمی‌گردد از این بالا نشینها

### عیب جویی از دیگران

حضرت در حکمت ۳۴۵ نهج البلاغه  
 فرمود: «أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعَيْبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ»<sup>۱</sup>  
 بزرگ‌ترین عیب آن است که صفت زشتی  
 را که خود داری، بر دیگران خرده گیری.»

همه حمال عیب خوشتیم

طعنه بر عیب دیگران چه زنیم  
 مولوی در ضمن یک تمثیل زیبا  
 این سخن را بیشتر توضیح داده است:

چار هندو در یکی مسجد شدند  
 بهر طاعت راکع و ساجد شدند

هر یکی بر نیتی تکبیر کرد  
 در نماز آمد به مسکینی و درد  
 مؤذن آمد زان یکی لفظی بجست:

«کای مؤذن بانگ کردی وقت هست؟»

گفت آن هندوی دیگر از نیاز:

هی! سخن گفתי و باطل شد نماز

آن سوم گفت، آن دوم را ای عمو

چه زنی طعنه بر او، خود را بگو

آن چهارم گفت: حمد لله که من

در نیفتادم به چه چون این سه تن

پس نماز هر چهاران شد تباہ

عیب گویان بیشتر گم کرده راه

و نظامی گفته:

عیب کسان منگر و احسان خویش

دیده فرو بر به گریبان خویش

و سعدی:

مکن عیب خلق ای هنرمند، فاش

به عیب خود از خلق مشغول باش

### رهبانیت ممنوع!

آن حضرت فرمود: «خَالَطُوا النَّاسَ

مُخَالِطَةً إِنْ مِثْمَ بَكَرُوا وَإِنْ عَشْتُمْ حَنُوا إِلَيْكُمْ»<sup>۳</sup>

۱. همان، نامه ۵۳.

۲. سنائی.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۱۰.



### دوری از یأس و ناامیدی

حضرت علی علیه السلام: «إِذَا لَمْ يَكُنْ لِمَا تُرِيدُ فَلَا تَبُلْ مَا كُنْتَ؛<sup>۳</sup> اگر به خواسته‌ات نرسیده‌ای، از موقعیت فعلی خود نگران نباش.»

در نومیدی بسی امید است

پایان شب سیه سپید است

\* \* \*

چه خوش باشد که بعد از انتظاری

بسه امید رسد امیدواری

\* \* \*

مشکلی نیست که آسان نشود

مرد باید که هراسان نشود

### باقیات صالحات

همهٔ انسانها دنبال خوشنامی هستند و دوست دارند که نامی زیبا از آنان به یادگار بماند؛ اما دوست داشتن تنها کافی نیست، نیکنام بودن، به تلاشهای انسان در حال زندگی بستگی دارد.

حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: «وَأِنَّمَا يَسْتَدُلُّ عَلَى الصَّالِحِينَ بِمَا

۱. همان، نامهٔ ۲۴۹.

۲. مولوی.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۶۹.

با مردم طوری معاشرت کنید که اگر از دنیا رفتید، [در فراق شما محزون شده و] گریه کنند و اگر زنده ماندید، با علاقه به شما روی آورند.»

گمراهان فضلا ترک جماعت کردند

تا رهینند ز رسم و ره دین عامی چند!

جمعه و عید و مصلا همه را در بستند

رهزن عام فریبی بد خوش نامی چند

### جهاد با نفس اماره

امام علی علیه السلام فرمود: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ

مَا أَكْرَهَتْ نَفْسَكَ عَلَيْهِ؛<sup>۱</sup> برترین اعمال آن

است که بر خلاف میل نفس خویش آن

را انجام دهی.»

هیچ می دانی چرا بی خانه‌ای

با سکون و باصفا بیگانه‌ای

هیچ دانی از چه بیچاره شدی

زانکه بنده نفس اماره شدی

\* \* \*

مشورت با نفس خود گر می کنی

هر چه گوید کن خلاف آن دنی

گر نماز و روزه می فرمایدت

نفس مکار است مکاری زایدت

مشورت با نفس خویش اندر فعال

هر چه گوید عکس آن باشد کمال<sup>۲</sup>

گرم شواز مهر و زکین سرد باش  
چون مه و خورشید جوان مرد باش  
عمر به خوشنودی دلها گذار  
تا ز تو خوشنود شود کردگار

### آفات فقر

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به فرزندش می فرماید: «يَا بَنِيَّ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ فَإِنَّهُ مَدْمَسَةٌ بِاللَّهِ مِنْهُ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنَقْصَةٌ لِلدِّينِ مَدْمَسَةٌ لِلْعَقْلِ دَاخِيَةٌ لِلْمَقْتِ»<sup>۱</sup> فرزندم! من از فقر بر تو می ترسم. از آن به خدا پنهاننده شو! چرا که فقر موجب نقص در دین و عامل اضطراب و تشویش عقل و سبب بدبینی خواهد بود.

شربت ناخوشگوار احتیاج

شیر مردان را کند روبه مزاج

\* \* \*

چون کیسه زرز تهی شود، کاسه ز آتش  
گردد هنرت نهان، عیبت فاش

\* \* \*

در درگه خلق بسندگی ما راکشت

از بهر دو نان دوندگی ما راکشت

يُجْرِي اللَّهُ لَهُمْ عَلَى أَلْسِنِ عِبَادِهِ<sup>۱</sup> یکی از نشانه های افراد نیکوکار این است که خداوند برای آنان [نام نیکشان را] بر زبان بندگان جاری می کند.

سعدی در ابیات زیر به این معنی

توجه داشته است:

نام نیکوگر بماند ز آدمی

به کزو ماند سرای زرنگار

\* \* \*

بر آنکس بود زندگانی حرام

که او را نماند پس از مرگ نام

### کینه توزی، مانع کمال

کینه توزی یکی از خصیلت های شیطانی و مذموم است و مانع رسیدن انسان به درجات عالی معنوی است. امام علی (علیه السلام) می فرماید: «وَلَا تَبَاغَضُوا

فَإِنَّهَا الْحَالِقَةُ»<sup>۲</sup> به همدیگر کینه و بغض نداشته باشید! این کار باعث محو و نابودی [هر خیر و برکت] است.

فردوسی چنین سروده است:

مگیرید خشم و مدارید کین

نه زیباست کین از خداوند دین

و نظامی در «مخزن الاسرار»

می گوید:

۱. همان، نامه ۵۳.

۲. همان، خطبه ۸۵.

۳. همان، حکمت ۳۱۹.

گه منت روزگار گه منت خلق

ای مرگ بیا که زندگی ما را کشت<sup>۱</sup>

\* \* \*

چهره امید مردان را فراشد احتیاج

رشته جمعیت دل را بپاشد احتیاج

آن چه عاقل را کند معجون و دانا را سفیه

چون که نیکو بنگری بی ریب باشد احتیاج

### حلم و رحمت الهی

امام در مورد صفت زیبای حلم و

دریای بیکران رحمت الهی می فرماید:

«الَّذِي عَظَمَ حِلْمُهُ فَفَقَأَ»<sup>۲</sup> کردگاری که حلم

عظیم دارد و از [خطای بندگان] در

می گذرد.»

ای کریمی که از خزانه غیب

گیر و ترسا وظیفه خور داری

دوستان را کجا کنی محروم

تو که بر دشمنان نظر داری<sup>۳</sup>

### شاد کردن دلها

مولای متقیان فرمود: «مَا مِنْ أَحَدٍ

أَوْدَعَ قَلْبًا سُورًا إِلَّا وَحَلَقَ اللَّهُ لَهُ مِنْ ذَلِكَ

السُّورِ لُطْفًا»<sup>۴</sup> کسی که دلی را شاد گرداند،

خداوند متعال در مقابل آن شادی برایش

لطف و مهربانی می آفریند.»

نظامی گنجوی از این سخن

استقبال کرده و گفته است:

عمر به خشنودی دلها گذار

تا ز تو خشنود شود کردگار

تا توانی دلی بدست آور

دل شکستن هنر نمی باشد

فرخی یزدی هم می گوید:

بی سرو پائی اگر در چشم خوار آید ترا

دل به دست آرش مگر روزی به کار آید ترا

### آثار ستم

در سخنان آن حضرت آمده است:

«مَنْ سَلَّ سَيْفَ النَّبِيِّ قَتَلَ بِهِ»<sup>۵</sup> هر کس

شمشیر ستم از غلاف بیرون کشد، به

همان شمشیر کشته شود.»

هر که تیر ستم کشد بیرون

فلکش هم بدان بریزد خون<sup>۶</sup>

\* \* \*

هر کجا ظلم رخت افکنده است

سلطنت را ز بیخ برکنده است<sup>۷</sup>

۱. ابوالقاسم بناتی.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۱.

۳. سعدی.

۴. نهج البلاغه، حکمت ۲۵۷.

۵. همان، حکمت ۳۴۱.

۶. فردوسی.

۷. سنائی.

ظالما! ترسمت که خود روزی

شوی از ظلم دیگران مظلوم

خوان نعمت ز پیش بردارند

خود بمانی چو دیگران محروم<sup>۱</sup>

### مشورت

اولین پیشوای شیعیان در سخنی

حکیمانه به آثار سودمند رایزنی و

مشورت اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«مَنْ أَسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَمَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ

شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا»<sup>۲</sup> هر که خودرأی

باشد، تباه گردد و هر کس با مردان

مشورت نماید، در عقل آنان شریک

شود.»

حافظ:

فکر خود و رأی خود، در عالم رندی نیست

کفرست در این مذهب خودبینی و خودرأیی

مولوی:

مشورت ادراک و هشیاری دهد

عقلها مرعقل را یاری دهد

\* \* \*

روکسی جو که تو را او هست دوست

دوست بهر دوست لا شک خیر جوست

چونکه کردی دشمنی، پرهیز کن

مشورت با یار مهرانگیز کن

غفلت از همسایه

از موانع کمال انسانی، غفلت و

بی‌خبری از همسایگان فقیر و گرسنه

است. مولای متقیان (ع) این موضوع را

چه زیبا بیان فرموده است: «أَوْ أَيْتَ

مِنْطَانًا وَ حَوْلِي بَطُونٌ غَزَوِيٌّ وَأَكْبَادَ حَرَيٍّ»<sup>۳</sup>

[هیئات! که] من با شکم پر بخوابم و

در اطرافم شکمهای گرسنه و

جگرهای تشنه باشد.»

مخواه آزردن همسایه زنه‌ار

ز قرآن در نیوش این نغزگفتار

به احسان کوش با همسایه و خویش

ز آزار دل آنسان بیندیش<sup>۴</sup>

\* \* \*

تو را شب به عیش و طرب می‌رود

چه دانی که بر ما چه شب می‌رود؟

\* \* \*

۱. قاءانی.

۲. نهج البلاغة، حکمت ۱۶۱.

۳. همان، نامه ۴۵ به عثمان بن حنیف.

۴. الهی قمشه‌ای.

دستگیری گر کنی همسایه درویش را  
با پیمبر در جنان همسایه بینی خویش را<sup>۱</sup>

دشمن دانا بلندت می‌کند  
بر زمینت می‌زند نادان دوست

### دوری از چپ و راست

مولای متقیان تمایل به اندیشه‌های  
تقاطبی و دور از حق را موجب گمراهی  
دانسته، می‌فرماید: «الْيَمِينُ وَالشَّمَالُ مَضَلَّةٌ وَ  
الطَّرِيقُ الْوَسْطِيُّ هِيَ الْجَادَةُ»<sup>۲</sup> راست و چپ  
گمراهی است و راه میانه همان جاده [حق و  
صراط مستقیم] است.»  
چند چپ و راست بتابی ز راه؟

### خواب غفلت

آن حضرت برخی از افرادی را که در  
خواب سنگین غفلت فرو رفته‌اند، مورد  
سرزنش قرار می‌دهد و می‌فرماید: «النَّاسُ  
نِيَامٌ إِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا»<sup>۳</sup> مردم در خواب غفلت  
فرو رفته‌اند. هنگامی که مرگ به سراغشان  
آمد، بیدار خواهند شد.»

چون نیروی راست در این کاروان

امروز پر از خواب و خماری است سر تو

آن روز شوی ای پسر از خواب، تو بیدار

\* \* \*

راستی خواهی مرو جز بر صراط مستقیم  
بر یمن و بر یسار رفت خواهی، معوج است<sup>۴</sup>

شیر حق فرمود: الناس نيام

تا نمیرد کی شود بیدار خام

### دشمن دانا

در اندیشه امام علی عليه السلام دشمن عاقل  
از دوست نادان بهتر است و  
می‌فرماید: «عَدُوُّ عَاقِلٍ خَيْرٌ مِّنْ صَدِيقِي  
أَخْمَقٍ»<sup>۴</sup> دشمن خردمند بهتر از دوست  
نادان است.»

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش  
کی روی ره ز که پرسى چه کنی چون باشی

دشمن دانا که غم جان بود

بهتر از آن دوست که نادان بود<sup>۵</sup>

\* \* \*

۱. واعظ کاشفی.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۶.

۳. ابن یمن.

۴. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۵۱.

۵. نظامی.

۶. الانوار العلویه، ص ۴۸۹.